از انتزاع گفتمان تا سیاست اجرایی

علی سعد
مدیر اندیشکده حکمرانی شریف

سیاست بدون زبان جلو نمی‌رود. زبان در مشروعیت رهبری گروه‌های اجتماعی و آنچه سیاست نامیده می‌شود می‌تواند در یک دامنه وسیع موثر باشد. از سوی دیگر دولت‌ها برای سیاستگذاری خود نیازمند اتخاذ یا تولید یک گفتمان مشخص هستند که بر اساس آن ارزش‌ها، اولویت‌ها و اهداف سیاستگذاری تعیین و قوام‌دهنده رفتار دولت باشد. این گفتمان پس از تشکیل و شروع به کار دولت خود را در سیاستگذاری حوزه‌های مختلف و برنامه‌های اجرایی نشان می‌دهد. در این گزارش با نگاهی به اهمیت گفتمان سیاسی در دولت‌ها به نحوه بروز و ظهور این گفتمان در عملکرد دولت اشاره می‌شود.

گفتمان، چهارچوب معنادهی به اقدامات دولت

گفتمان کلیتی است ساختاردهی‌شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. مفصل‌بندی عبارت است از گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو که نظام معنایی را در ذهن سامان می‌بخشد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳) مفصل‌بندی در یک گفتمان بسیار اهمیت دارد که می‌تواند به تولید معنا منجر شود. عناصر متفاوت و جدا از هم که شاید بی‌مفهوم باشند هنگامی که در قالب گفتمان جمع می‌شوند هویت جدید پیدا می‌کنند. گفتمان‌ها منظومه‌ای از معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم شهروندان از واقعیت را شکل می‌دهند.

هر یک از نشانه‌ها در رابطه با دیگر نشانه‌ها به عنوان یک بعد تثبیت می‌شوند و همه معانی ممکن برای یک گفتمان را شکل می‌دهد. یک گفتمان در اصل تقلیل همه حالت‌های ممکن به یک صورت مشخص مفصل‌بندی است. گفتمان تلاشی جهت توقف لغزش نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر و تولید یک نظام معنایی واحد است.

دال مرکزی در مرکز گفتمان قرار دارد به طوری که دیگر مفاهیم و نشانه‌ها حول این مرکز قرار می‌گیرند و با رابطه به این مرکز معنا می‌شوند. نشانه‌هایی که حول این دال مرکزی قرار دارند وقته نامیده می‌شوند. وقته‌ها پیش از اینکه به هویت موقتی دست یابند عنصری هستند که هنوز در قالب گفتمان قرار نگرفته‌اند و گفتمان‌های مختلف سعی در معناده‌ی به آنها دارند. در صورتی یک گفتمان موفق می‌شود که با اتکا به دال مرکزی خود مدلول‌های مدنظر را به دال گفتمان خود نزدیک سازد و نظام معنایی مطلوب خود را در ذهنیت جمعی تثبیت کند.

گفتمان سیاسی بر این اصل نهاده شده است که چگونه «وقایع» می‌توانند تحلیل شوند. به صورت مفهومی گفتمان سیاسی به مفاهیم فلسفی، زبانی و معنایی وابسته است که در ذهن شهروندان ترجمه می‌شود. دولت با انتخاب یک گفتمان به اقدامات خود در عرصه اجرایی کشور معناده‌ی می‌کند و با مفصل‌بندی میان تصمیمات و برنامه‌ها به عنوان عناصر این نظام معنای، اذهان شهروندان را سامان می‌بخشد.

گفتمان سیاسی چگونه شکل می‌گیرد و چه ویژگی‌هایی دارد؟

گفتمان سیاسی به مقامات رسمی کمک می‌کند تا با جامعه در ارتباط بمانند و البته از نظر اخلاقی هم خود را نمونه مطرح کنند. هدف این گفتمان سیاسی که در قالب کمپین مطرح می‌شود شکل دادن ارتباط بنیانی میان اقدامات دولتمردان و سیاسیون با عموم جامعه است.

گفتمان سیاسی اهمیت خود را در قبال سرمایه سمبلیک یا نمادین نشان داده که نوعی از قدرت را شکل می‌دهد. سرمایه نمادین نتیجه این است که وقایع بازخوانی و تفسیر شود و در یک گفتمان بزرگ‌تر به صورت شفاهی و نوشتاری بیان شود تا بتواند وقایع را به صورت نوشته‌های اجتماعی دربیاورد. تمرکز اصلی گفتمان سیاسی بر قدرت تفسیر با استفاده از اسطوره‌ها و نشانه‌ها در خصوص وقایع است. گفتمان سیاسی اگر به گفتمان جامعه تبدیل شود می‌تواند نوعی از قدرت جمعی را ایجاد کند. لازمه رسیدن به چنین شرایطی شکل‌گیری یک مفهوم اسطوره‌ای-منطقی در میان شهروندان جامعه است.

گفتمان دولت باید پنج ویژگی صداقت، سازنده بودن، احترام‌آمیز بودن، بر اساس واقعیت بودن و در نهایت، امکان برقراری ارتباط با مخاطب را داشته باشد. در ادامه توضیح کوتاهی در خصوص هر یک از این ویژگی‌ها داده می‌شود.

صداقت: ویژگی اصلی هر گفتمان سیاسی صداقت است. اطلاعات غلط و بی‌توجهی به واقعیت می‌تواند رای‌دهندگان و سیاستگذاران را برای آنچه که در حال رخ دادن است به چالش بکشد. این مساله می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی سخنانی آتی شود. مطالعات نشان می‌دهد نگرانی زیادی به بی‌صداقتی در سیاست وجود دارد که منجر به احساس بی‌احترامی به شهروندان می‌شود. مردم تنها از دروغ ناراحت نمی‌شوند بلکه از فرار از پاسخ و پاسخ غیردقیق سیاست‌مداران نیز ناراحت می‌شوند.

سازنده بودن: اکثر سیاست‌گذاران در بین اولویت‌سنجی میان علایق و ارزش‌های مختلف و ایجاد بالانس بین آنها مردد هستند. گفتمان قصد دارد نشان دهد که این تردید وجود ندارد و البته هواداران هر یک از احزاب و جریان‌ها هم استدلال می‌کنند که نظر آنها کاملا صحیح است و نظر مخالفان‌شان کاملا غلط است. این چهارچوب‌بندی کار ناظران را برای تعیین اینکه چه فکر می‌کنند سخت‌تر می‌سازد و مبادله مسئولانه که قابل دسترس باشد را نیز سخت‌تر می‌کند. گفتمان غیرسازنده در حمله به انگیزه‌های مخالفان شکل می‌گیرد.

احترام‌آمیز بودن: گفتمان سالم، گفتمانی است که به دیگران احترام بگذارد. برخی از گفتمان‌های غیراحترام‌آمیز، کار سیاستگذاران را برای انجام وظایف‌شان سخت می‌کند و مردم خوب را از انجام کارهای سیاسی منصرف می‌کند.

بر اساس واقعیت بودن: سیاستگذاران علاقه دارند که خروجی فعالیت‌های آنها با منافع عمومی را در بازه زمانی فعالیت‌شان همراستا نشان دهند. این کار با ارائه منطقی شواهد مبنی بر نتایج گزینه‌های دیگر انجام می‌شود. گفتمان سیاسی سالم بر اساس شواهد بنا می‌شود. البته برخی از سوالات اساسی درباره ارزش‌هاست و فقط با شواهد توضیح داده نمی‌شود ولی مهم است که بین عبارات و گزاره‌های شواهدمحور و ارزش‌محور در زمان تصمیم‌گیری تفاوت قائل شد.

درگیرکننده بودن: شاید به نظر آید یک گفتمان سالم سیاسی باید خالی از احساسات باشد. ولی سیاستی می‌تواند موثر باشد که بتواند همراهی زیادی را به خود جلب کند. تعداد کمی از شهروندان یک سخنرانی خشک و رسمی را برای زمان طولانی تحمل می‌کنند. لذا یک گفتمان سیاسی نیازمند شوخی، احساسات، داستان و نقل‌قول‌هایی است که تکمیل‌کننده موضوع باشد. در عین حال باید از موضوعات فنی و پیچیده غیرضرور صرف نظر کرد.

حرکت از گفتمان به سیاستگذاری

ناتلی و ویب (Nutley & Weeb ،۱۴: ۲۰۰۰) معتقدند سیاستگذاری به فرآیندی گفته می‌شود که دولت‌ها دیدگاه سیاسی خود را به برنامه تبدیل می‌کنند تا نتایج آن را بین شهروندان توزیع کنند.

در طول فرآیند سیاستگذاری این شیوه‌های گفتمانی هستند که معنا را تعیین، هویت‌ها را خلق، قدرت را توزیع و راه‌حل‌ها را منتشر می‌کنند که باعث اقناع یا اختلاف می‌شوند و به قدرت مشروعیت می‌بخشند (حق‌شناس، ۱۳۹۷: ۲۲۰). به هنگام طراحی سیاست به طور صریح یا تلویحی به ارزش یا ارزش‌هایی استناد می‌شود که در یک گفتمان معنادار هستند.

همان‌طور که قبل‌تر اشاره شد معناداری یک عمل و پدیده مشروط به قرارگرفتن در چهارچوب یک گفتمان است. سیاست‌گذاری‌ها نیز در دوره‌های مختلف برای معنادار شدن به گفتمان نیاز دارند. از آنجا که در دوره‌های مختلف بزرگ‌ترین و قوی‌ترین بازیگر سیاست داخلی ایران دولت‌ها بوده‌اند، سیاستگذاری نتیجه گفتمان حاکم آن دوره بوده است و شیوه رمزگشایی مردم از اقدامات در چهارچوب گفتمان حاکم صورت می‌پذیرد.

در صورت نداشتن گفتمان در یک دولت یا ناتوانی در شکل‌دهی به یک گفتمان، معانی در گفتمان‌های دیگری شکل می‌گیرند و نحوه فهم و برداشت شهروندان از سیاست‌های دولت و واقعیت موجود در یک نظام معنایی متفاوت نزج پیدا می‌کند.

چین و آمریکا گفتمان سیاسی را چگونه برای مردم قابل لمس کردند؟

مثال‌های متعددی از تبدیل گفتمان سیاسی به مفاهیم ملموس و قابل سنجش در کشورهای جهان وجود دارد. در این بخش به دو مثال در خصوص گفتمان رئیس‌جمهور چین و رئیس‌جمهور آمریکا پرداخته می‌شود.

در چین شی با کمپینی با عنوان خط انبوه (Mass-Line) با هدف دسترس‌پذیر کردن دولت برای عموم مردم و از بین بردن چهار شیوه کاری نامطلوب را راه‌اندازی کرد. تدوین دستورالعمل‌های اداری، اصلاح نظام ارزیابی مدیران و اطلاع‌رسانی عمومی در این خصوص منجر به ثمربخشی آن شد. نتیجه رسمی کمپین او نتایج خیره‌کننده‌ای از نظر ساده‌سازی اداری و اصلاح رفتار عوامل دولت در اسراف کردن از منابع دولتی را در پی داشت. مطابق گزارشی که به صورت رسمی منتشر شد، این کمپین منجر به کاهش ۲۵ درصدی هزینه‌های پذیرایی و حمل و نقل کادر اداری و سفرهای خارجی شد. در ایالات متحده دونالد ترامپ با شعار بازگرداندن شکوه ایالات متحده وارد کارزار انتخاباتی شد. ترامپ با توجه به جامعه مخاطبان خود که عمدتا از جامعه، سنتی، مذهبی، با تحصیلات پایین‌تر، ساکن شهرهای کوچک‌تر و ایالت‌های غیرصنعتی‌تر بودند، هدف‌گذاری خود را برای جلب نظر این طیف به انجام رساند.

ترامپ با طرح محدودیت شرکت‌های آمریکایی در تولید محصولات در خرج از خاک آمریکا، محدودیت واردات از چین به عنوان اصلی‌ترین رقیب تولیدات آمریکا، ممنوعیت ارائه خدمات به مهاجران غیرقانونی، اقدام نمادین دیواکشی بین مرز مکزیک و آمریکا، خروج از پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) بین کانادا، مکزیک و ایالات متحده و انعقاد قرارداد جدید UMSCA که شرایط بهتری را برای حمایت از تولیدکنندگان آمریکایی ایجاد می‌کرد و ده‌ها سیاست دیگر که در کنار حمایت رسانه‌ای و کمپین اجتماعی انجام می‌شد، توانست گفتمان سیاسی‌اش را برای مخاطبان خود ملموس کند.

جمع‌بندی

تبدیل گفتمان سیاسی به سیاست اجرایی نیاز به یک حرکت جمعی از سوی ارکان دولت دارد. لذا استفاده از نیروهای همسو با گفتمان دولت در سطوح حساس تصمیم‌گیری امری ضروری است. مهره‌چینی نقاط راهبردی دولت توسط رئیس‌جمهور با افراد کاملا معتقد به گفتمان دولت می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای تبدیل به سیاست و برنامه اجرایی موثر باشد.

بی‌حسی به ارتباطات سیاسی در عصر بمباران اطلاعات بسیار مهم است در جوامع مدرن و در گسترش و تکثر منابع خبری اگر مخاطب نسبت به پیام‌های سیاسی بی‌حس شده باشد، گفتمان را از کارکرد مثبت تهی می‌کند. به همین دلیل برای تعیین ارتباطات سیاسی تنها محتوای پیام، یا محتوای تاریخی یا حتی محیط سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه باید هوشیاری مخاطب و جلب توجه او را در نظر گفت.

در گفتمان یک همبستگی و هم‌نوایی پیوسته میان متن، عمل و زمینه نیاز است. استفاده از کمپین اجتماعی در کنار گفتمان سیاسی دولت مکمل اقدامات است. باید در رویکردها و سیاست‌های حاصله از گفتمان سیاسی ارتباط دستاوردها با گفتمان در قالب کمپین‌های اجتماعی تبیین شود.

در گذشته و در دهه ۵۰ و ۶۰ این‌گونه تصور می‌شد که تاثیر پیام سیاسی تنها به وسیله فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. در دهه‌های اخیر مشخص شده است که دریافت پیام واحد می‌تواند به صورت بسیار متفاوتی رمزگشایی شود. یا حتی ممکن است منجر به پاسخ‌های متضاد شود. به این مساله هم باید به طور جدی توجه شود که پیام سیاسی به وسیله تعداد زیادی واسطه مانند خبرنگار، روزنامه‌نگار، تحلیلگر و... منتقل می‌شود که می‌تواند پیام را تغییر دهد. باید توجه کرد که فهمیدن یک پیام قانع‌کننده، یک پروسه منفعل نیست. گیرنده پیام نیز در پروسه دریافت پیام به صورت فعال حضور دارد. تمرکز بر تقویت رسانه‌های همسو، همراه کردن نویسنده‌ها و اینفلوئنسرها و در نهایت استفاده از ظرفیت گروه‌های مرجع بخشی ضروری از استفاده از گفتمان سیاسی در دولت است.

و آخرین نکته ضرورت ارزیابی خوانش شهروندان از سیاست‌ها و ارائه داده‌های موید اثرگذاری سیاست‌ها به جامعه است. این مرحله به نوعی نقش بازخوردگیری و حکم اصلاح رویه‌ها و سیاست‌ها را بازی می‌کند که امکان بازگشت از مسیر غلط و تغییر انگاره‌های شکل‌گرفته را میسر می‌کند. سه روش برای فهم اینکه مردم چگونه می‌توانند پیام سیاسی را درک کنند یا آن را تغییر دهند وجود دارد. نظرسنجی، مشاهده رفتار در انتخابات و در نهایت تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی سه روش مرسوم برای فهم خوانش شهروندان از پیام اقدامات سیاستی در چهارچوب گفتمان حاکم است.

منابع:

هوارث (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، شماره ۲
حق‌شناس، محمد جواد (۱۳۹۷)، «فرآیند سیاسی سیاست‌گذاری: رویکردی عملگرایانه به سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴ شماره ۲
Evidence and Policy Process، in Davis ،(۲۰۰۰) Nutley، S. & J. Weeb
What Works? Evidence-based Policy and Practice ،(۲۰۰۰). HTO et al
.in Public Service، Bristal: Policy Press

سه‌شنبه اول اسفند ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۵
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رمزگشایی از نقدهای قالیباف به مجلس

چرا نظارت بر رفتار نمایندگان سر و سامان نمی‌گیرد

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته محمدباقر قالیباف ضمن تمجید از عملکرد مجلس ۲ وعده عمل نشده را به شرح ذیل اعلام کرد؛ ۱- تقویت جایگاه هیات نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس و ۲- تقویت جایگاه اقتصادی وزارت خارجه. اگرچه موضوعات مختلفی که رئیس مجلس به‌عنوان وعده محقق شده از آن یاد کرده هر یک به‌تنهایی باید مورد بحث کارشناسی قرار گیرد، اما عجالتا می‌توان روشی که رئیس مجلس برای تقویت جایگاه هیات نظارت مورد نظر دارد را مورد نقد و بررسی قرار داد. رئیس مجلس برای اینکه بتواند در رشته توییت روز دوشنبه خود از عدد ۲۰ برای آمار اقدامات استفاده کرده و نمره کامل به خود دهد، می‌توانست به‌جای ایده تقویت قانون، ایده چگونگی اجرای آن را تقویت کند.

قانون به‌جای کاغذ باید در واقعیت تقویت شود

وجود نواقص قانونی ضمن آنکه راه‌های دور زدن آن را برای خاطیان باز می‌کند قانون را در چشم سایرین نیز تضعیف کرده و باعث می‌شود کمتر مورد توجه قرار گیرد، در چنین شرایطی لازم است تا ضعف‌های موجود در قانون اصلاح شده و متن آن تکامل یابد. این مساله اما مهم‌ترین شرط تقویت قانون نیست آنچه بیش از تکامل قانون اهمیت دارد این است که همان قانون نیم‌بند نیز به اجرا درآمده و بروز عینی پیدا کرده باشد. اگر قانونی وجهه عملیاتی به خود نگیرد باعث می‌شود تکمیل آن نیز جدی گرفته نشود. قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان که وظایف هیات نظارت بر رفتار نمایندگان را تعیین کرده یکی از مصادیقی است که دچار این آفت شده. زمانی که به بندهای این قانون مراجعه کرده مشاهده می‌کنیم ظرفیت‌های خوبی در متن این قانون وجود دارد که می‌تواند در جلوگیری از رفتارهای خلاف‌شان نمایندگی بازدارنده باشند. این قانون اما هیچ وقت آنقدر که باید جدی گرفته نمی‌شود؛ چراکه یا اجرایی نمی‌شود و یا استفاده از آن به بندهای کم‌هزینه محدود می‌ماند.

دراصلاح قانون به جایگاه مردم هم توجه کنید

در بسیاری از موارد که با نمایندگان خاطی برخورد می‌شود، مردم از اقدامات این هیات مطلع نمی‌شوند؛ چراکه اعلام تخلفات نماینده در صحن علنی اشد مجازات علیه یک نماینده متخلف محسوب شده و معمولا هیچ کس نیز به اشد مجازات محکوم نمی‌شود. اطلاع داشتن مردم از رفتارهای خلاف شأن نمایندگان امر بسیار موثر در ارتکاب به اعمال خلاف شأن محسوب می‌شود، لذا اگر از این ظرفیت به‌درستی استفاده نشده و نمایندگان خود را در نقطه کور دید مردم احساس کنند طبیعتا این قانون کارایی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد، لذا اگر فردی دغدغه‌ای برای تقویت جایگاه این هیات دارد و می‌خواهد متن قانون را تکمیل کند باید بیش از هر چیزی به نقش مردم توجه نشان داده و راه‌هایی برای افزایش سطح نظارت مردم بر فرآیند بررسی تخلفات و تعیین مجازات بگشاید تا از این طریق مردمی که با اقدامات خلاف شأن یک نماینده آزرده‌خاطر شده‌اند نسبت به میزان برخورد تعیین شده یا چرایی عدم‌برخورد اقناع شوند.

ظرفیت‌های قانون فعلی

ظرفیت‌های خوبی برای برخورد با نمایندگان متخلف در قانون وجود دارد. برای بررسی این ظرفیت بد نیست ابتدا مواردی که هیات نظارت می‌تواند در آنها ورود کرده و با نماینده متخلف برخورد کند را مرور کنیم:

الف. گزارش‌های واصله درباره سوءاستفاده و تخلف مالی یا اخلاقی نماینده و درآمدها و هزینه‌های غیرمتعارف وی.

ب. گزارش‌های مربوط به رفتار خلاف شئون نمایندگی.

پ. گزارش‌های واصله درباره اعمال خلاف امنیت ملی کشور و سایر اعمال مجرمانه از بعد انتظامی.

ت. گزارش‌های هیات‌رئیسه درباره غیبت، تاخیر و بی‌نظمی نماینده موضوع مواد (۷۸) تا (۸۱) و (۸۸) تا (۹۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

درباره موارد مورد ذکر مردم مصادیق خوبی را به خاطر می‌آورند که بد نیست رئیس مجلس در مورد استفاده هیات نظارت از ظرفیت این بندها در مورد این مصادیق نیز گزارش جامعی دهد. ماجرای تحویل خارج از نوبت خودروهای خارجی به نمایندگان امری بود که اخبارش، افکار عمومی به انتظار نشسته در صف تحویل خودرو را بسیار آزرده‌خاطر کرد. اگرچه درنهایت با نماینده‌ای که چنین ادعایی را مطرح کرده برخورد شد و ادعاهای او نیز رد شد، اما این ادعا بعدا از جانب چند نماینده دیگر نیز تکرار شد. در این صورت یا باقی نماینده‌ها نیز ادعای کذب را تایید کرده‌اند که باید مورد برخورد قرار گیرند یا برخی از آنچه رانت عنوان شده است استفاده کرده‌اند که باید در مورد آن پاسخگو باشند. یا حداقل کسانی که امکان ارائه چنین رانتی را در بهارستان فراهم کرده‌اند مورد بازخواست قرار گیرند.

در مورد بند دوم نیز می‌توان ماجرای عنابستانی، نماینده سبزوار را مثال زد که ویدئوهایی سیلی زدنش به مامور راهور در فضای مجازی دست‌به‌دست شد و درنهایت آنچه در هیات نظارت رخ داد، نتوانست افکار عمومی را قانع کند.

ماجرای غیبت‌ها و بی‌نظمی‌های درون صحن مجلس نیز به حدی بود که در مواردی صدای اعتراض رئیس مجلس را نیز بلند کرد، اما هیچ وقت اعلام نشد که آیا هیات نظارت با نمایندگانی که چوب‌خط غیبت‌هایشان پر شده است، برخوردی داشته یا نه؟

اهرم مجازات‌ها را به‌کار گیرید

زمانی که به فهرست هشت‌گانه مجازات‌ها می‌نگریم نیز چشم‌مان به مواردی می‌خورد که اگر به‌موقع به کار گرفته شده و اجرایی می‌شدند اثر مهمی بر تقویت جایگاه قانون می‌گذارند. «کسر حقوق از یک‌ماه تا یک‌سال به میزان یک‌دوم، محرومیت از عضویت در مجامع و شوراها یا کمیته‌های تحقیق و تفحص، محرومیت از نامزدی برای عضویت در هیات‌رئیسه مجلس و هیات‌رئیسه کمیسیون‌ها، اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه غیرعلنی توسط رئیس مجلس و اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه علنی توسط رئیس مجلس» اینها پنج موردی است که در نیمه پایین فهرست مجازات‌های قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان مجلس قرار دارند و اگر هیات از سطح تذکر شفاهی جلوتر می‌رفت و بدون محافظه‌کاری ابزارهای دست خود را فعال می‌کرد، اکنون نیاز نبود ضعف در اجرا با وعده تقویت متن قانون پوشانده شود.